

متن پرسش

- □ آنک در خلوت نظر بر دوختست □ □ آخر آن را هم، زیـار آموختست □
مولوی دفتر دوم بیت ۲۵ موضوع: انقلاب اسلامی واسطه تأثیرات غیبی بر بشر — شاید گرافه نباشد اگر گفته شود، بحرانی که امروز انقلاب، با آن مواجه است به دو بخش قابل تقسیم است بخش اول بخشی است که قدرت و نفوذ استکبار در عرصه جهانی برایش پیش آورده و بحران بخش دوم در نسبت با فرزندان اش (نگرش نسل جوان) دارد. بخش اول بحول قوه الهی و به برکت رشادت و خون شهدا کنترل شده که هیچ، به پیروزی هم رسیده است. اما بخش دوم که بنظر در سر و سامان مطلوب نیست، بنده حقیر نظرم اینست که از روزی باید ترسید که این بحران خاموش شود، چرا؟ چون خاموشی بحران این قسم دوم، به معنای مرگ حقیقت انقلاب است. انقلاب و انقلابیونی که به رهبریت علمایی چون ائمه اطهار و قاضی ها و خمینی ها به میراث رسیده است، چنین سر ناسازگاری با آرامش و آسایش های دروغین (آنگونه که جهان غرب اکنون بدان رسیده) نداشته و ندارد و اگر داشت باید شک کرد در رسالتش! تاریخ بشر کدام عرصهء ابراز تعارضات را با چنین کیفیتی! سراغ دارد؟ کدام نسل، تجربه چنین میدان تعارض را دارد؟ آیا این انفعال و موضع گیری های تک تک جوانان این مرز بوم همان نیست که خود ذات انقلاب و حقیقت اسلام می‌خواست؟ جهانی که انسان در آن حاضر است، مصداق خواب های خرگوشی نیست که با غوطه ور کردن آدمیان در رفاه ساختگی بروز کرده است؟ آیا انتخاب از میان انواع چیزها انتخاب حقیقی است؟ یا انتخاب کردن و انتخاب نکردن چیزها انتخاب حقیقی است؟ این ناسازگاری قدسی نیست؟ که آن را هم از یار آموخته ایم؟ گزافه نیست اگر خاموشی طبل جنگ های جهانی سوم و چهارم... را به انقلاب اسلامی ایران نسبت دهیم اگر بنای جنگها را برخواستنه از یکدستی انزجار آمیز بدانیم. یک دستی که جهان استکبار غرب در سودای اجرایی آن بود با دست نشاندن حکومت های منفعل و تجددگرای، نفس اماره زده! بود انقلابی که یک دستی بیمارگونه را از بشر گرفت، بظاهر و به زعم ظاهرینان گریبانش را گرفته است، اما زهی خیال باطل، این زنده گی است که رخ خود را برای بشر گشوده است آیا مگر معجزه قرآن نگفت «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» پس بزه کاری و پرهیزکاری اش را به او الهام کرد. (۸) یک دستی که سودای جز رسمیت دادن به «فجور» که برهوت برای انسان بود تا اجازهء به میان آمدن باغ ها و نهرهای جاری بهشتی «تقوا» را ندهد آری آنان وحدت را نیز تحریف کرده بودند و آن را در یکدستی نفس های اماره مطرح می‌کردند. جوان امروز اساسا این ناسازگاری قدسی را که هدیه الهی است به واسطه «وجود رابطی» انقلاب اسلامی ایران یافته است، هرچند که اسمش را نداند و یا نگوید _ این اثر پنهان

است، آخر این را ز یار آموخته است می‌خواهم به رهبر معظم انقلاب عرض کنم آقا جان دغدغه حضرتتان مبنی بر ایجاد امیدواری / همانگونه مستحضرید / در جوان امروز ایجاد شده است، همچون جوانه های سر از خاک در آورده، این سیاست و کیاست بر جوانان رسیده است سخن بسیار است اما: سی بیت دگر بخواست گفتن مستیش کشید گوش از آن سو

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این همان تقابلِ نهایی است که در ابتدا هرکس با خود دارد. تقابل «فجور» و «تقوا» تا نهایی‌ترین انتخاب در فرزندان انقلاب به ظهور آید. این بی‌قراری‌ها حکایتِ بزرگی جهان انسانی است که نمی‌خواهد خود را با آرامش‌های دروغین فریب دهد و از انتخاب‌های اصیل و بزرگ باز بماند. می‌خواهد به گفته جنابعالی همچون جوانه‌ای از خاک سر بر آورد و امیدواریِ بزرگی را در دل طوفانی سهمگین تجربه کند و معنای «ما می‌توانیم» را در بستر «ایمان» محقق کند و این یعنی ماورای اسباب ظاهری به چیزی نظر کنیم که میدان گشوده‌ای است از طریق خداوند برای حضوری که او برای این تاریخ تقدیر کرده است. چه حاصل در بیرون خود بایستیم و از بیکرانگی خود که در دل سختی‌های توحیدی و در مواجهه با مردم و دلسوزی برای آنان پیش می‌آید محروم باشیم؟ آری! همان‌طور که می‌فرمایید حکایت این حرف‌ها همان است که: سی بیت دگر بخواست گفتن مستیش کشید گوش از آن سو ولی حداقل بگذار سخنی گفته شود تا افقی گشوده گردد. حال ماییم و افقی که نه به راحتی قابل فهم است و نه ما نسبت به آن بیگانه‌ایم. موفق باشید